

Comparing the Effectiveness of Analogy Learning and Explicit Learning on Acquisition a Sport Skill in Individuals with Autism Spectrum Disorder

Ordooiazar F¹, * Vaez Mousavi M², Kashi A³, Molanorouzi K⁴

Author Address

1. PhD student of Department of Motor Behavior and Sport Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;

2. Professor, Department of Movement Behavior and Sports Psychology, Imam Hossein University, Tehran, Iran;

3. Associate Professor, Department of Motor Behavior and Sports Psychology, Research Institute of Physical Education and Sports Sciences, Tehran, Iran;

4. Assistant Professor, Department of Motor Behavior and Sport Psychology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Corresponding author's email: mohammadvaezmousavi@gmail.com

Received: 2022 December 11; Accepted: 2023 Jun 20

Abstract

Background & Objectives: Significant communication impairments and restricted and repetitive behavioral patterns characterize individuals with autism spectrum disorder (ASD). Beyond these core deficits, motor difficulty has also been regarded as a significant feature of ASD. Physical interventions are influential in improving social skills and ASD symptoms. A less prescriptive approach, such as analogy learning, has been suggested by motor-learning scientists. Analogies help learn a new concept by relating it to a similar one. The present study aimed to investigate the effect of skill learning through analogy learning and explicit learning on the javelin-throwing performance of individuals with autism spectrum disorder and compared the two methods' effectiveness.

Methods: This study was semi-experimental with a pre-test and post-test design and two experimental and one control group. The related ethical approval was obtained from the Research Ethics Committee of the relevant University and the Iran Autism Center. Written consent was obtained from the participant's parents. In total, 36 individuals (15 to 30 years old) with ASD from the Iranian Autism Association were selected by the convenience sampling method from Iran Autism Centre. Individuals with ASD, after meeting the entering criteria of the study, were assigned to one of the three groups of analogy learning (n=12), explicit learning (n=12), and control group (n=12). Inclusion criteria were aged 15-30 years; ASD diagnosis based on the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, 5th edition; IQ over 50 based on the participant's record; ability to follow instructions with the assistance of the researcher; no formal javelin training experience, the ASD diagnosis for each participant by an experienced physician. Exclusion criteria were comorbidity, cognitive disorder, learning disorder, severe sensory problem, vision problems and movement limitation. The study conducted in an indoor gymnasium. The experimental group participants attended four training sessions corresponding to their group, and the control group only participated in the measurement phases. Each session consisted of 3 blocks of 15 trials separated by 2 min of rest. Data analysis was done using ANOVA with repeated measures, one-way ANOVA and Tukey and Bonferroni post hoc tests in SPSS version 21. The significance level of the tests was 0.05.

Results: The results showed that the effect of time during the training sessions from the pre-test stage to the transfer stage was significant ($p < 0.001$); Also, the effect of the group was significant, which showed the difference in the performance of the groups regardless of the measurement stage ($p < 0.001$). The interactive effect of the group and measurement stages was also significant, which indicated the different trends of changes in the groups in different stages ($p < 0.001$). The comparison of the groups in the transfer phase revealed that the analogy learning group performed better compared to the explicit learning group and the control group ($p < 0.001$), and the explicit learning group performed better compared to the control group ($p < 0.001$).

Conclusion: Considering the characteristics of people with autism spectrum disorder, to learn new motor skills, analogy learning can bring more benefits for these people.

Keywords: Analogy learning, Explicit learning, Autism Spectrum Disorder.

مقایسه اثربخشی یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار بر اکتساب یک مهارت ورزشی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم

فیروزه اردویی آذر^۱، *سیدمحمدکاظم واعظ موسوی^۲، علی کاشی^۳، کیوان ملانوروزی^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتر، گروه رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. استاد، گروه رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران؛

۳. دانشیار، گروه علوم رفتاری در ورزش، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران؛

۴. استادیار، گروه رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*اربابانامه نویسنده مسئول: mohammadvazmousavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۰ آذر ۱۴۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۳۰ خرداد ۱۴۰۲

چکیده

زمینه و هدف: بهینه‌سازی آموزش مهارت‌های حرکتی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم یکی از مسائل پیش روی متخصصان است. مطالعه حاضر با هدف مقایسه اثربخشی یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار در اکتساب یک مهارت ورزشی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم انجام شد.

روش بررسی: روش پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی بود که به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون با یک گروه گواه و دو گروه تجربی انجام شد. از بین اعضای انجمن اوتیسم ایران، ۳۶ فرد دارای اختلال طیف اوتیسم داوطلب واجد شرایط به‌طور هدفمند وارد مطالعه شدند و در سه گروه دوازده نفری یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار و گواه قرار گرفتند. شرکت‌کنندگان گروه‌های آزمایشی در چهار جلسه، تمرین متناسب با گروه خود را انجام دادند؛ اما گروه گواه فقط در اندازه‌گیری‌ها شرکت کرد. در پایان تمرینات شرکت‌کنندگان نیزه را پرتاب کردند و مسافت پرتاب نیزه به‌عنوان متغیر وابسته ثبت شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون‌های تعقیبی توکی و بونفرونی در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ صورت گرفت. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، اثر زمان در طی جلسات تمرین از مراحل پیش‌آزمون تا انتقال معنادار بود ($p < ۰/۰۰۱$)؛ همچنین اثر گروه معنادار بود که نشان از تفاوت عملکرد گروه‌ها صرف‌نظر از مرحله اندازه‌گیری داشت ($p < ۰/۰۰۱$). اثر تعاملی گروه و مراحل اندازه‌گیری نیز معنادار بود که بیانگر روند متفاوت تغییرات گروه‌ها در مراحل مختلف بود ($p < ۰/۰۰۱$). مقایسه گروه‌ها در مرحله انتقال مشخص کرد، گروه یادگیری قیاسی در مقایسه با گروه یادگیری آشکار و گروه گواه عملکرد بهتری داشت ($p < ۰/۰۰۱$) و گروه یادگیری آشکار در مقایسه با گروه گواه دارای عملکرد بهتری بود ($p < ۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: با در نظر داشتن ویژگی‌های افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، به‌منظور فراگیری مهارت حرکتی جدید، یادگیری قیاسی می‌تواند برای این افراد، مزایای بیشتری به‌همراه داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری قیاسی، یادگیری آشکار، اختلال طیف اوتیسم.

می‌تواند سبب یادداری بیشتر درمقایسه با آموزش آشکارا^۲ شود (۱۲). توانایی انتقال اطلاعات به این روش در مطالعه‌ای دیگر تأیید شد و نشان داد، کودکان با استفاده از دستورعمل قیاسی برای پاسخ به سؤالات استنباطی درباره مفهومی علمی درمقایسه با کودکان با دستورعمل آموزش آشکارا توانا تر هستند (۶). به نظر می‌رسد در زمینه یادگیری حرکتی، یادگیری قیاسی منجر به عملکردی خواهد شد که فرد در شرایط سخت ذهنی، کمتر دچار اختلال می‌شود (۸). تسه و مسترز در تحقیقی، آموزش مهارت شوت بسکتبال به کمک یادگیری آشکار و یادگیری قیاسی را در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم مقایسه کردند. آن‌ها دریافتند، افرادی که مهارت شوت بسکتبال را با یادگیری قیاسی بیابایی می‌آموزند، در مرحله یادداری و انتقال بیشترین ثبات و پایداری عملکرد را از خود نشان می‌دهند (۱۳).

با وجود یافته‌هایی حاکی از سودمندی یادگیری آشکار و یادگیری قیاسی، در پژوهش‌هایی اثربخشی خاصی مشاهده نشد (۱۴). تسه و مسترز تأکید کردند، یادگیری قیاسی بیابایی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم به بررسی بیشتری نیاز دارد (۱۳). براساس پیشینه تحقیقات و مبانی نظری موجود در زمینه یادگیری قیاسی و اختلال طیف اوتیسم، خلأ مشاهده شده این بود که با وجود تمام مزیت‌های یادگیری قیاسی به خصوص ساده بودن و ارائه اطلاعات کمتر به یادگیرنده و نیز یادگیری آسان‌تر با این روش درمقایسه با یادگیری آشکار، بیشتر تحقیقات بر افراد عادی انجام شده و متأسفانه کمتر تأثیر یادگیری قیاسی به خصوص از نوع مشاهده‌ای بر افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، تحقیق شده است. همچنین پژوهشی وجود نداشت که یادگیری قیاسی را به طور جامع در مراحل مختلف پیش‌آزمون، پس‌آزمون، انتقال و یادداری در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم بررسی کند. در تنها پژوهشی که محققان یادگیری قیاسی را در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم بررسی کردند، یادگیری قیاسی مشاهده‌ای با یادگیری آشکار کلامی مقایسه شد و شواهد و اطلاعات برای قضاوت و نتیجه‌گیری درباره اینکه کدام روش یادگیری مؤثرتر است، وجود نداشت (۱۳). به همین دلیل بهتر است اثربخشی روش قیاسی مشاهده‌ای با روش آشکار مشاهده‌ای مقایسه شود. همچنین در اکثر پژوهش‌های گذشته از قیاس کلامی استفاده شد (۱۴-۱۲). متخصصان معتقد بودند، افراد دارای اختلال طیف اوتیسم در یادگیری مشاهده‌ای برتری خاصی دارند (۱۵)؛ همچنین آن‌ها دارای علاقه خاصی به استفاده از ابزار و دستگاه‌های الکترونیکی از جمله تلفن همراه و تبلت هستند؛ بنابراین برخلاف مطالعات قبلی می‌توان انتظار داشت استفاده از یادگیری قیاسی از نوع مشاهده‌ای، برای این افراد اولویت داشته باشد؛ از این رو هدف پژوهش حاضر، مقایسه اثربخشی یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار در اکتساب یک مهارت ورزشی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم بود.

۲ روش بررسی

روش مطالعه حاضر، نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با دو گروه تجربی و یک گروه گواه بود. از بین تمام اعضای انجمن

آموزش مهارت‌های حرکتی^۱ به افراد دارای اختلال طیف اوتیسم^۲ همواره برای متخصصان رفتار حرکتی، چالشی مداوم در حوزه عمل و پژوهش بوده است. در پژوهش‌ها، شیوه‌های مختلف آموزش این مهارت پیشنهاد شده است؛ ولی بیشتر آن‌ها مبتنی بر یادگیری آشکار^۳ بوده‌اند. با توجه به ویژگی‌های اختصاصی افراد دارای اختلال طیف اوتیسم از جمله مشکل در برقراری ارتباط، تعاملات اجتماعی، رفتارهای کلیشه‌ای، ارتباط چشمی ضعیف، نقص در استفاده از رفتارهای غیرزبانی (زبان بدن) و نبود ارتباطات متناسب با سن (۱)، باید شیوه‌های متنوع‌تری از آموزش مهارت‌های حرکتی در این افراد امتحان شود. به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های حرکتی برای افراد دارای اختلال طیف اوتیسم باید به شرایط ارزیابی یا موقعیت واقعی که بعدها انتظار می‌رود در زندگی با آن مواجه شوند، انتقال پیدا کند.

یافته‌های پژوهش مسترز نشان داد، یکی از دلایل افت عملکرد زیر فشار روان‌شناختی این است که دانش آشکار^۴ مرتبط با حرکت، پردازش خودآگاه می‌شود و در کنترل خودکار حرکت اختلال ایجاد می‌کند (۲). این باور وجود دارد که دانش آشکار درباره الگوی حرکت، ممکن است با کنترل خودکار آن تداخل پیدا کند. این جریان از طریق رقابت در منابع شناختی در دسترس برای اجرای مهارت یا از طریق کشاندن پردازش خودکار به سطوح آگاهانه صورت می‌گیرد (۳). می‌اواکی بیان کرد، کاستن از میزان دانش آشکار مربوط به تکلیف در طول یادگیری ممکن است به کاهش اثرات منفی کمک کند. براین اساس او معتقد بود، فرایندهای پنهان یادگیری، اساس و پایه عملکرد ماهرانه را تشکیل می‌دهند (۴). در آموزش مهارت‌های حرکتی، اطلاعات معمولاً به صورت دستورعمل‌های آشکار و کلامی توسط مربیان ارائه می‌شود (۲). در چنین شرایطی، یادگیرنده به طور دقیق می‌داند چه کاری و چگونه انجام دهد که باعث یادگیری سریع‌تر شود؛ اما اگر همیشه دستورعمل‌ها آشکار باشند، ممکن است آثار مخربی بر فرایند یادگیری حرکتی بگذارند (۵).

مطالعات نشان داد، افرادی که در یادگیری مهارت‌ها از دستورعمل‌های آشکار استفاده کرده‌اند، در شرایط سخت جسمانی و ذهنی از جمله خستگی و استرس و مهارت‌های چندتکلیفی، دچار ضعف عملکرد شده‌اند (۳،۶)؛ بنابراین رویکردی که کمتر تجویزی باشد و انتقال اطلاعات آشکار نباشد، مثل یادگیری قیاسی^۵ توسط دانشمندان یادگیری حرکتی پیشنهاد شد (۷،۸). دانشمندان معتقدند، در اصل هیچ یادگیری جدیدی صورت نمی‌گیرد، مگر اینکه با تجارب گذشته مقایسه شود؛ به عبارت دیگر همه یادگیری‌ها، یادگیری قیاسی هستند (۹). از قیاس برای کمک به یادگیری مفهومی جدید بدون نیاز به دستورعمل آشکار، به وسیله مرتبط کردن آن به یک مفهوم مشابه پایه استفاده می‌شود (۱۰). برای تصدیق اثربخشی یادگیری قیاسی در رشد شناختی افراد، پژوهش‌های زیادی انجام شده است (۱۱)؛ برای مثال وسنیداد و اسکومر در کودکان سنین ۵ تا ۷ ساله دریافتند، آموزش به صورت قیاسی

4. Explicit knowledge

5. Analogy learning

6. Explicit learning

1. Motor skills

2. Autism Spectrum Disorder (ASD)

3. Explicit learning

اوتیسم ایران ($N=1500$) داوطلبان واجد شرایط ۳۶ نفر (۷ خانم و ۲۹ آقا) بودند که در رده سنی ۱۵ تا ۳۰ سال و دارای اختلال طیف اوتیسم وارد مطالعه شدند (۱۶، ۱۳) و براساس امتیاز کسب شده در مرحله پیش‌آزمون در سه گروه دوازده نفری یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار و گواه قرار گرفتند.

شرکت‌کنندگان در گروه یادگیری قیاسی، الگوی شمشیربازی را مشاهده کردند؛ بنا به گفته لیاثو و مسترز، الگوی قیاس باید استعاره بیومکانیکی ساده‌ای باشد که شامل همه قوانین و ابعاد اجرای مهارت اصلی شود (۸). همچنین این قیاس باید با فرهنگ و زبان یادگیرندگان هماهنگی و همخوانی داشته باشد؛ در غیر این صورت، تطبیق‌نداشتن قیاس با مهارت منجر به یادگیری و عملکرد نامناسب خواهد شد؛ بنابراین الگوی شمشیربازی، ساختاری ساده و کوتاه و چکیده تمام مهارت پرتاب نیزه بود و ریشه در فرهنگ و گذشته افراد شرکت‌کننده داشت که در کودکی شمشیربازی را انجام دادند (۸)؛ بنابراین گروه یادگیری قیاسی سعی داشت همانند فیلم شمشیربازی، الگوی مهارت پرتاب نیزه را اجرا کند. شرکت‌کنندگان در گروه یادگیری آشکار، برای یادگیری مهارت پرتاب نیزه، فیلم پرتاب نیزه توسط یک فرد حرفه‌ای را مشاهده کردند و از آن‌ها خواسته شد سعی کنند دقیقاً مطابق فیلم، الگوی مهارت را اجرا کنند. شرکت‌کنندگان در گروه گواه نیز هیچ دستورعملی (قیاسی، آشکار) دریافت نکردند و فقط در جلسات پیش‌آزمون، پس‌آزمون، انتقال و یادداری شرکت داشتند و از آن‌ها خواسته شد تا مطابق با الگوی حرکتی ترجیحی خود، نیزه را به دورترین مکان ممکن پرتاب کنند.

تمامی شرکت‌کنندگان در انجمن اوتیسم ایران دارای پرونده بودند. به‌منظور تشخیص اختلال طیف اوتیسم، تمام افراد قبلاً مصاحبه شدند و تشخیص نهایی اختلال طیف اوتیسم، توسط متخصص مغز و اعصاب انجام گرفت. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش حاضر عبارت بود از: داشتن اختلال طیف اوتیسم؛ ضریب هوشی بیشتر از متوسط؛ وضعیت جسمانی و قامتی سالم. معیارهای خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش ابتلا به بیماری همراه، اختلال شناختی، اختلال یادگیری، مشکل حسی شدید، داشتن مشکلات بینایی و محدودیت حرکتی و سابقه فعالیت در رشته‌های ورزشی پرتابی از جمله نیزه، دیسک و... بود.

مداخلات و آزمون‌های پژوهش حاضر در سالن ورزشی سرپوشیده انجام گرفت. تکلیف مدنظر پرتاب نیزه برای همه گروه‌ها بود. به‌همین لحاظ یک مسیر در کف سالن با عرض یک متر و طول بیست متر با چسب سفید کاغذی معین شد. این مسیر برای مشخص کردن جهت پرتاب نیزه بود تا شرکت‌کنندگان در مسیر تعیین شده پرتاب را انجام دهند. برای سنجش مسافت پرتاب نیزه، متر نواری با دقت ۰/۵ سانتی‌متر به‌کار رفت. یک فیلم آموزشی از نحوه پرتاب نیزه به‌مدت سی ثانیه تهیه شد و در شروع هر جلسه برای شرکت‌کنندگان گروه یادگیری آشکار پخش شد. همچنین یک فیلم شمشیربازی به‌مدت سی ثانیه تهیه شد و در شروع هر جلسه برای شرکت‌کنندگان گروه یادگیری قیاسی پخش شد. تابلت سامسونگ تب اس ۶ لایت با ابعاد صفحه‌نمایش

۲۴×۱۵ سانتی‌متر در پخش فیلم‌ها برای شرکت‌کنندگان به‌کار رفت. نیزه پلاستیکی با وزن ۵۰۰ گرم برای آقایان و ۳۰۰ گرم برای خانم‌ها و طول ۱۲۰ سانتی‌متر و قطر ۲/۵ سانتی‌متر استفاده شد. شمشیر اسباب‌بازی با وزن ۱۰۰ گرم و طول ۷۰ سانتی‌متر و قطر ۳ سانتی‌متر برای قیاس نیزه در گروه یادگیری قیاسی به‌کار رفت. فرم مشخصات فردی، فرم رضایت‌نامه و فرم ثبت رکوردها در این مطالعه تدوین و استفاده شد.

قبل از شروع جلسات تمرین، والدین رضایت‌نامه شرکت در پژوهش را امضا کردند و اطمینان حاصل شد که هر زمان مایل باشند می‌توانند از ادامه تحقیق انصراف دهند و در تمام طول تحقیق هیچ‌گونه خسارت یا آسیبی متوجه فرزندان آن‌ها نخواهد بود. تعهد محرمانه‌مانند همه اطلاعات، فیلم‌ها و داده‌ها به والدین و شرکت‌کنندگان داده شد و همچنین درباره منافع احتمالی پژوهش توضیح صورت گرفت.

دوره تمرینات (پیش‌آزمون و جلسات تمرین و پس‌آزمون): در جلسه اول به‌منظور هم‌تاسازی گروه‌ها، پیش‌آزمون انجام گرفت. از شرکت‌کنندگان خواسته شد سه دور (هر دور پانزده کوشش) نیزه را پرتاب کنند (در کل ۴۵ کوشش). استراحت بین هر دور دو دقیقه بود. میانگین امتیازات مسافت پرتاب نیزه در پایان دور سوم به‌عنوان امتیاز نهایی هر فرد منظور شد. سپس شرکت‌کنندگان براساس امتیاز کسب‌شده در مرحله پیش‌آزمون در سه گروه یادگیری قیاسی ($n=12$) و یادگیری آشکار ($n=12$) و گواه ($n=12$) قرار گرفتند.

در ادامه شرکت‌کنندگان به‌مدت چهار جلسه تمرین کردند. در این جلسات از شرکت‌کنندگان خواسته شد سه دور (هر دور پانزده کوشش) نیزه را پرتاب کنند (در کل ۴۵ کوشش). استراحت بین هر دور دو دقیقه بود. در انتهای جلسه چهارم (جلسه آخر تمرین) میانگین امتیازات شرکت‌کنندگان در دور سوم به‌عنوان پس‌آزمون ثبت شد.

آزمون یادداری^۱: برای حذف اثرات موقت تمرین، ۴۸ ساعت بعد از پس‌آزمون، آزمون یادداری انجام گرفت. طی آن از شرکت‌کنندگان خواسته شد پانزده بار مهارت پرتاب نیزه را انجام دهند. به‌منظور ارزیابی، میانگین امتیازات مسافت پرتاب نیزه به‌عنوان امتیاز نهایی هر فرد منظور شد.

آزمون انتقال^۲: برای بررسی دوام تغییرات به‌وجودآمده در عملکرد، در شرایط خستگی، آزمون انتقال انجام گرفت. در این جلسه هیچ دستورعملی ارائه نشد و فقط از شرکت‌کنندگان درخواست شد در شرایط خستگی، پانزده بار مهارت پرتاب نیزه را اجرا کنند. به‌منظور افزایش میزان خستگی از شرکت‌کنندگان خواسته شد به‌مدت بیست دقیقه تمرینات هوازی از جمله دویدن آهسته، پرش، دریبل توپ (فوتبال برای پسران و بسکتبال برای دختران) را انجام دهند. به‌منظور ارزیابی، میانگین امتیازات مسافت پرتاب نیزه به‌عنوان امتیاز نهایی هر فرد منظور شد.

مطالعه حاضر به‌تأیید کارگروه اخلاق در پژوهش پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی رسید. والدین افراد شرکت‌کننده در این پژوهش رضایت‌نامه کتبی را برای حضور در تحقیق امضا کردند. همچنین باتوجه به شرایط شیوع ویروس کرونا، تلاش شد تمامی مسائل

2. Transfer test

1. Retention test

استفاده شد. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام شد. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ بود.

۳ یافته‌ها

مسافت پرتاب نیزه با متر اندازه‌گیری و ثبت شد و سپس داده‌ها وارد تحلیل آماری شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، تفاوت در خورتوجهی در متغیرهای قد و وزن و سن بین سه گروه وجود نداشت. عملکرد شرکت‌کنندگان در طی مراحل اندازه‌گیری به تفکیک گروه‌های تجربی و گواه در جدول ۲ مشاهده می‌شود. در بخش بعدی، تحلیل آمار استنباطی در طی مراحل مختلف اندازه‌گیری آمده است.

بهداشتی در حین اجرای پژوهش رعایت شود. آزمونگرهای پژوهش و شرکت‌کنندگان در حین اجرای مراحل و آزمون‌ها دارای ماسک بودند. برای ضدعفونی کردن وسایل و تجهیزات به‌کاررفته در مطالعه، به‌صورت مرتب از مواد ضدعفونی‌کننده استفاده شد. در پایان پژوهش با اهدای هدیه از تمامی شرکت‌کنندگان تقدیر و تشکر صورت گرفت. از تحلیل واریانس عاملی مرکب 3×7 دارای دو عامل اصلی گروه (قیاسی، آشکار، گواه) و زمان اندازه‌گیری، برای بررسی تغییرات در طی فرایند یادگیری استفاده شد. همچنین به‌منظور مقایسه گروه‌ها در مرحله انتقال از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه، برای مقایسه دوگانه گروه‌ها در مرحله انتقال از آزمون تعقیبی توکی و برای مقایسه دوگانه مراحل مختلف اندازه‌گیری به تفکیک گروه‌ها از آزمون تعقیبی بونفرونی

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	یادگیری قیاسی		یادگیری آشکار		گواه	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
قد (سانتی‌متر)	۱۷۲/۹	۴/۴۸	۱۷۴/۶۳	۵/۰۲	۱۷۳/۶	۳/۲۷
وزن (کیلوگرم)	۸۱/۱۹	۸/۰	۸۴/۴۵	۸/۴۳	۸۲/۴	۱۰/۵۶
سن (سال)	۲۲/۹۲	۳/۴۰	۲۳/۲۵	۴/۳۵	۲۲/۷۵	۵/۰۸

-تحلیل عملکرد پرتاب: در دو گروه یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار میانگین در طول مطالعه یا پس‌آزمون افزایشی بود؛ اما در گروه گواه، تغییر محسوسی مشاهده نشد. نتیجه تحلیل واریانس عاملی مرکب 3×7 (گروه‌ها) 7×7 (مراحل) با اندازه‌گیری مکرر روی عامل درون‌گروهی مراحل اندازه‌گیری، نشان داد که اثر اصلی مرحله اندازه‌گیری (اثر زمان) در طی جلسات تمرین از مرحله پیش‌آزمون تا مرحله انتقال معنادار بود $(F(3/21) = 25/615, p < 0/001, \eta^2_p = 0/44)$ ؛ همچنین اثر گروه معنادار بود $(F(3/33) = 23/524, p < 0/001, \eta^2_p = 0/59)$.

مرحله اندازه‌گیری داشت. اثر تعاملی گروه و مراحل اندازه‌گیری نیز $(F(6/427) = 15/943, p < 0/001, \eta^2_p = 0/49)$ معنادار بود که بیانگر روند متفاوت تغییرات گروه‌ها در مراحل مختلف بود (جدول ۲). روند تغییر نمرات از دوره تمرین (پیش‌آزمون و جلسات تمرین و پس‌آزمون) تا مراحل یادداری و انتقال در نمودار ۱ آمده است؛ بنابراین با توجه به افزایش میانگین مسافت پرتاب نیزه در دو گروه یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار در مقایسه با گروه گواه، نتایج حاکی از تأثیر مداخلات مذکور در یادگیری این مهارت ورزشی بود.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار عملکرد (مسافت پرتاب نیزه) شرکت‌کنندگان در طی مراحل اندازه‌گیری

گروه	مراحل آزمون													
	پیش‌آزمون		جلسه اول تمرین		جلسه دوم تمرین		جلسه سوم تمرین		پس‌آزمون		یادداری		انتقال	
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
یادگیری قیاسی	۴/۵۸	۱/۱۱	۴/۸۱	۰/۸۵	۵/۲۶	۰/۹۲	۵/۷۰	۰/۸۹	۶/۶۳	۱/۲۰	۶/۴۰	۱/۰۰	۵/۸۷	۰/۸۲
یادگیری آشکار	۴/۶۲	۰/۸۶	۴/۹۰	۰/۸۵	۵/۳۰	۰/۶۸	۵/۵۵	۰/۸۸	۶/۱۲	۱/۱۵	۴/۸۳	۰/۷۹	۳/۹۳	۰/۵۹
گواه	۴/۵۶	۰/۹۱	۴/۱۸	۰/۷۵	۳/۸۶	۰/۳۷	۳/۹۹	۰/۴۰	۴/۱۵	۱/۰۲	۳/۳۹	۰/۹۴	۲/۶۲	۰/۸۶

مقایسه گروه‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در مرحله انتقال نشان داد، تفاوت بین گروه‌ها معنادار بود $(p < 0/001)$ ، $(F(2/33) = 34/616)$. مقایسه دوگانه گروه‌ها با استفاده از آزمون تعقیبی توکی مشخص کرد، گروه یادگیری قیاسی در مقایسه با گروه یادگیری آشکار و گروه گواه، عملکرد بهتری داشت $(p < 0/001)$ و گروه یادگیری آشکار نیز دارای عملکرد بهتری در مقایسه با گروه گواه بود $(p < 0/001)$.

مقایسه مراحل مختلف اندازه‌گیری: به‌منظور پیدا کردن محل تفاوت‌های بین مراحل، از آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه دوگانه مراحل مختلف اندازه‌گیری به تفکیک گروه‌های مطالعه‌شده استفاده شد. نتیجه تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد، تغییرات گروه‌های یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار در طول مراحل اندازه‌گیری با بهبود معناداری همراه بود $(p < 0/05)$. در غالب مراحل، گروه یادگیری قیاسی عملکرد بهتری را از خود نشان داد $(p < 0/05)$.

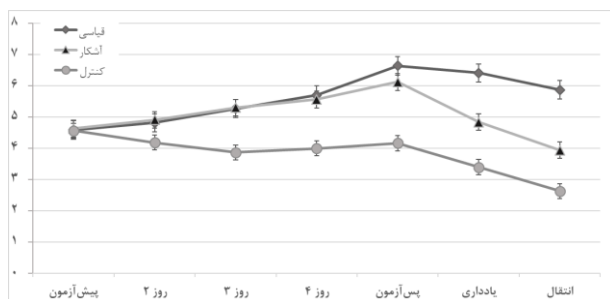
افت عملکرد گروه یادگیری قیاسی در مراحل یادداری و انتقال مراحل اندازه‌گیری به تفکیک گروه‌های آزمایشی در جدول ۴ آمده است. در مقایسه با گروه‌های دیگر کمتر بود ($p < 0.05$). مقایسه دوگانه

جدول ۳. مقایسه دوگانه گروه‌های آزمایشی در مرحله انتقال با استفاده از آزمون تعقیبی توکی

مقدار p	خطای استاندارد	تفاوت میانگین	گروه (J)	گروه (I)
<0/001	0/3015	1/6675	آشکار	قیاسی
<0/001	0/3015	3/3967	گواه	
<0/001	0/3015	-1/6675	قیاسی	آشکار
<0/001	0/3015	1/7292	گواه	
<0/001	0/3015	-3/3967	قیاسی	گواه
<0/001	0/3015	-1/7292	آشکار	

جدول ۴. مقایسه دوگانه مراحل اندازه‌گیری در گروه‌های آزمایشی با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی

مقدار p	گواه		آشکار		قیاسی		گروه/عامل		
	خطای	تفاوت	خطای	تفاوت	خطای	تفاوت	عامل (J)	عامل (I)	
مقدار p	معیار	میانگین	مقدار p	معیار	مقدار p	معیار	میانگین		
0/603	0/155	0/391	0/071	0/147	0/999	0/145	-0/233	جلسه اول تمرین	پیش‌آزمون
0/421	0/281	0/763	0/003	0/166	0/062	0/181	-0/688	جلسه دوم تمرین	
0/999	0/268	0/574	0/008	0/237	0/017	0/246	-1/123	جلسه سوم تمرین	
0/999	0/321	0/408	0/002	0/255	<0/001	0/233	-2/300	پس‌آزمون	
0/999	0/233	0/433	0/004	0/213	<0/001	0/298	-1/833	یادداری	
0/004	0/34	1/850	0/999	0/223	0/006	0/296	-1/538	انتقال	
0/999	0/212	0/372	0/485	0/151	0/011	0/094	-0/454	جلسه دوم تمرین	جلسه اول تمرین
0/999	0/197	0/183	0/112	0/188	0/004	0/164	-0/889	جلسه سوم تمرین	
0/999	0/262	0/017	0/014	0/201	<0/001	0/178	-2/067	پس‌آزمون	
0/999	0/242	0/042	0/107	0/183	0/002	0/264	-1/600	یادداری	
0/021	0/329	1/459	0/602	0/182	0/007	0/254	-1/305	انتقال	
0/999	0/137	-0/189	0/87	0/109	0/026	0/101	-0/435	جلسه سوم تمرین	جلسه دوم تمرین
0/999	0/231	-0/355	0/155	0/164	<0/001	0/164	-1/613	پس‌آزمون	
0/999	0/185	-0/33	0/999	0/136	0/017	0/252	-1/146	یادداری	
0/032	0/266	1/087	0/012	0/179	0/166	0/261	-0/851	انتقال	
0/999	0/227	-0/166	0/187	0/091	<0/001	0/13	-1/178	پس‌آزمون	جلسه سوم تمرین
0/999	0/203	-0/141	0/999	0/101	0/286	0/242	-0/711	یادداری	
0/014	0/273	1/276	0/002	0/191	0/999	0/273	-0/416	انتقال	جلسه سوم تمرین
0/999	0/331	0/025	0/205	0/096	0/999	0/220	0/467	یادداری	پس‌آزمون
0/124	0/424	1/442	<0/001	0/184	0/315	0/265	0/762	انتقال	
<0/001	0/165	1/417	<0/001	0/117	0/502	0/113	0/295	انتقال	یادداری



نمودار ۱. فرایند تغییرات مسافت پرتاب نیزه شرکت‌کنندگان سه گروه در طول مراحل اندازه‌گیری از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون و مراحل یادداری و انتقال

در پژوهش تسه و مسترز باتوجه به شیوه آموزش قیاسی که به صورت کلامی بود، احتمالاً شرکت‌کنندگان دارای اختلال طیف اوتیسم، نتوانستند مفهوم حرکتی قیاسی را به طور کامل درک کنند یا اطلاعات تکلیف را در طول مراحل مختلف ارزیابی زمانی که نیازهای شناختی تکلیف زیاد بود (برای مثال، آزمون‌های یادداری و انتقال) در حافظه نگه دارند. آن‌ها حافظه کاری شرکت‌کنندگان را به منزله مسئله در پشتیبانی از این استدلال مدنظر قرار دادند که حافظه کاری شرکت‌کنندگان نیز می‌تواند عاملی باشد تا اثربخشی نوع قیاس (کلامی یا بینایی) را در یادگیری مهارت‌های حرکتی تعدیل کند (۱۳). باتوجه به محدودیت‌های حافظه کاری کلامی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، قیاس کلامی ممکن است برای القای مزایای یادگیری حرکتی نشان داده شده در افراد عادی، کافی نباشد؛ باین‌حال، از آنجاکه مقایسه‌ها بین مطالعات مختلف انجام می‌گیرد، ممکن است عواملی مانند ویژگی‌های شرکت‌کنندگان مثل جنسیت و شرایط تجربی آن بر تفسیر نتایج اثرگذار باشد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده درباره یادگیری حرکتی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، علاوه بر به‌کارگیری گروه‌های گواه از افراد عادی، برای تفسیر دقیق نتایج، متغیرهایی مانند ضریب هوشی و حافظه کاری و دیگر ویژگی‌های شناختی و حرکتی کنترل شود (۱۹).

در مطالعه حاضر محدودیت‌هایی وجود داشت؛ اولین آن محدودیت تعداد شرکت‌کنندگان بود که از بین افراد دارای اختلال طیف اوتیسم از هر دو جنس استفاده شد. باتوجه به ویژگی‌های فرهنگی در کشور ایران، به نظر می‌رسد بهتر بود در گروه قیاسی باتوجه به انتخاب قیاس شمشیربازی، تنها شرکت‌کنندگان پسر انتخاب می‌شدند؛ زیرا احتمالاً پسرها دارای تجربه اجرای این بازی در دوران کودکی بودند، ولی دخترها این تجربه را نداشتند. همچنین توصیه می‌شود از فیلم‌های آموزشی با سرعت نمایش آهسته استفاده شود و یادگیرنده خود انتخاب کند با چه سرعتی مایل است مهارت حرکتی را ببیند (آهسته یا طبیعی^۱). به علاوه فیلم‌های آموزشی بهتر است از زوایای مختلف یک مهارت را نشان دهند و یادگیرنده خود انتخاب کند از چه زاویه‌ای مایل است مهارت حرکتی را ببیند. پیشنهاد می‌شود یادگیری قیاسی مشاهده‌ای به دو روش آموزش از طریق الگوی ویدئویی و الگوی زنده مقایسه شود.

۵ نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های پژوهش حاضر، آموزش مهارت به افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، به کمک روش یادگیری قیاسی می‌تواند تاحدودی میسر شود. شرایط مدنظر برای انجام فعالیت‌های ورزشی به صورت طبیعی با مقداری استرس همراه می‌شود؛ از این رو لازم است به روشی متوسل شد که بتواند به دوام تغییرات ایجاد شده کمک کند. از طرف دیگر افراد دارای اختلال طیف اوتیسم به علت ضعف عضلانی معمولاً زودتر از افراد عادی دچار خستگی می‌شوند؛ بنابراین روی آوردن به روش‌هایی که به استحکام عملکرد آن‌ها در مقابل خستگی کمک کند، راه حل ارزشمندی است و طبق مطالعه حاضر یادگیری قیاسی تاحدودی مفید

هدف پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار در اکتساب یک مهارت ورزشی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم بود. در واقع پژوهشگران به دنبال پاسخ برای این سؤال بودند که کدام روش یادگیری می‌تواند در آموزش مهارت حرکتی به افراد دارای اختلال طیف اوتیسم مؤثرتر باشد؟ یافته‌ها نشان داد، یادگیری قیاسی باعث بهبود عملکرد حرکتی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم شد. نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد، مسافت پرتاب نیزه در هر دو گروه یادگیری قیاسی و یادگیری آشکار، در طول دوره اکتساب بهبود یافت. برتری نسبی گروه یادگیری قیاسی در این مرحله نشان داد، یادگیری قیاسی می‌تواند برای افراد دارای اختلال طیف اوتیسم در هنگام کسب یک مهارت حرکتی جدید، مفید باشد که این یافته تأییدی بر نتایج تحقیق تسه و مسترز (۱۳) است.

یک تبیین احتمالی برای این نتایج به یادگیری مشاهده‌ای مربوط می‌شود و این موضوع در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم به خوبی دیده شده است. در ادبیات پژوهشی این حوزه، به طور مداوم مشخص شده است که افراد دارای اختلال طیف اوتیسم توانایی‌های بهتری در حل مسئله غیرکلامی در مقایسه با استدلال کلامی از خود نشان می‌دهند و در رمزگذاری اطلاعات بینایی فضایی به جای شنیداری برتری نسبی دارند (۱۷)؛ برای مثال هرملین و اوکانر دریافتند، زمانی که یک نشانه بینایی (خطی کشیده شده روی قطعات) ارائه می‌شود، افراد دارای اختلال طیف اوتیسم تکلیف حل پازل را سریع‌تر از افراد عادی انجام می‌دهند (۱۸). در پژوهش جوزف و همکاران مشخص شد، افراد دارای اختلال طیف اوتیسم در یک کار جست‌وجوی دیداری زمان واکنش سریع‌تری را در مقایسه با افراد عادی هم‌سن و دارای ضریب هوشی هم‌سان نشان می‌دهند (۱۵). باتوجه به این ویژگی‌های شناختی، شرکت‌کنندگان در گروه یادگیری قیاسی مشاهده‌ای ممکن است اطلاعات مربوط به مؤلفه حرکتی کلیدی شوت بسکتبال (بازو بالا با مچ شل شده) را راحت‌تر از افرادی تفسیر کنند که در گروه‌های یادگیری قیاسی کلامی و یادگیری آشکار هستند (۱۳). برتری روشن گروه یادگیری قیاسی در مقایسه با گروه یادگیری آشکار، در مراحل یادداری و انتقال، مؤید اثربخشی واضح آموزش مهارت‌های حرکتی و ورزشی به شیوه یادگیری قیاسی در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم بود. اگرچه این تفاوت تاحدودی در مرحله اکتساب نیز دیده شد، در مراحل یادداری و انتقال شکل برجسته‌تری داشت و این بخش با یافته‌های پژوهش تسه و مسترز که در دوره اکتساب تفاوت آشکاری بین گروه‌ها ندیدند، مغایر است (۱۳)؛ به هر حال این تفاوت که در مقایسه بین گروه‌ها در مراحل انتقال و یادداری دیده شد، نشان‌دهنده آن بود که یادگیری قیاسی می‌تواند برای القای مزایای یادگیری حرکتی (مانند عملکرد پایدار در یادداری و انتقال) در افراد دارای اختلال طیف اوتیسم، باتوجه به ماهیت بینایی تکلیف مطالعه حاضر باشد. اگرچه تصور می‌شود آموزش قیاسی کلامی یادگیری حرکتی پنهان را تحریک می‌کند یعنی نیاز به پردازش آگاهانه کمتری دارد، پردازش آموزش کلامی همچنان به منابع واج‌شناسی از حافظه فعال نیازمند است (۸).

¹. Normal

واقع می‌شود.

پژوهش رضایت‌نامه کتبی برای همکاری و شرکت در تحقیق را امضا کردند. اجرای این طرح از نظر اخلاقی به تأیید انجمن اوتیسم ایران و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات رسید.

۶ تشکر و قدردانی

از مؤسسه باور و خانه امید و انجمن اوتیسم ایران که زمینه را برای اجرای پروژه مهیا کردند، سپاسگزاریم. همچنین از والدین و افراد دارای اختلال طیف اوتیسم و دیگر دوستانم که با تیم تحقیق همکاری داشتند، قدردانی می‌کنیم.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند، هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

منابع مالی

پژوهش حاضر تحت حمایت مالی هیچ سازمانی نبوده است. اعتبار برای انجام این مطالعه از منابع شخصی محقق تأمین شده است.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته تربیت بدنی با کد ۱۲۲۷۱۲۶۱۵۲۸۷۰۵۷ است. والدین کودکان شرکت‌کننده در

References

1. Guo X, Duan X, Long Z, Chen H, Wang Y, Zheng J, et al. Decreased amygdala functional connectivity in adolescents with autism: a resting-state fMRI study. *Psychiatry Res Neuroimaging*. 2016;257:47–56.. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2016.10.005>
2. Masters RSW. Knowledge, knerves and know-how: the role of explicit versus implicit knowledge in the breakdown of a complex motor skill under pressure. *Br J Psychol*. 1992;83(3):343–58. <https://doi.org/10.1111/j.2044-8295.1992.tb02446.x>
3. Lam WK, Maxwell JP, Masters R. Analogy learning and the performance of motor skills under pressure. *J Sport Exerc Psychol*. 2009;31(3):337–57. <http://dx.doi.org/10.1123/jsep.31.3.337>
4. Miyawaki K. The influence of the response–stimulus interval on implicit and explicit learning of stimulus sequence. *Psychol Res*. 2006;70(4):262–72. <https://doi.org/10.1007/s00426-005-0216-y>
5. Williams AM, Hodges NJ. Practice, instruction and skill acquisition in soccer: challenging tradition. *J Sports Sci*. 2005;23(6):637–50. <http://dx.doi.org/10.1080/02640410400021328>
6. Law J, Masters R, Bray SR, Eves F, Bardswell I. Motor performance as a function of audience affability and metaknowledge. *J Sport Exerc Psychol*. 2003;25(4):484–500. <http://dx.doi.org/10.1123/jsep.25.4.484>
7. Masters RS. Theoretical aspects of implicit learning in sport. *Int J Sport Psychol*. 2000;31(4):530–41.
8. Liao CM, Masters RSW. Analogy learning: a means to implicit motor learning. *J Sports Sci*. 2001;19(5):307–19. <http://dx.doi.org/10.1080/02640410152006081>
9. Novick LR, Holyoak KJ. Mathematical problem solving by analogy. *J Exp Psychol Learn Mem Cogn*. 1991;17(3):398–415. <http://dx.doi.org/10.1037/0278-7393.17.3.398>
10. Gentner D, Anggoro FK, Klibanoff RS. Structure mapping and relational language support children's learning of relational categories: structure mapping and relational language. *Child Dev*. 2011;82(4):1173–88. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-8624.2011.01599.x>
11. Coll RK, France B, Taylor I. The role of models/and analogies in science education: implications from research. *Int J Sci Educ*. 2005;27(2):183–98. <https://doi.org/10.1080/0950069042000276712>
12. Vosniadou S, Schommer M. Explanatory analogies can help children acquire information from expository text. *J Educ Psychol*. 1988;80(4):524–36. <https://doi.org/10.1037/0022-0663.80.4.524>
13. Tse ACY, Masters RSW. Improving motor skill acquisition through analogy in children with autism spectrum disorders. *Psychol Sport Exerc*. 2019;41:63–9. <https://doi.org/10.1016/j.psychsport.2018.12.002>
14. Tse ACY, Fong SSM, Wong TWL, Masters R. Analogy motor learning by young children: a study of rope skipping. *Eur J Sport Sci*. 2017;17(2):152–9. <http://dx.doi.org/10.1080/17461391.2016.1214184>
15. Joseph RM, Keehn B, Connolly C, Wolfe JM, Horowitz TS. Why is visual search superior in autism spectrum disorder? Visual search in ASD. *Dev Sci*. 2009;12(6):1083–96. <https://doi.org/10.1111/j.1467-7687.2009.00855.x>
16. Saber Sotoodeh M, Taheri-Torbati H. A point-light display model for teaching motor skills to children with autism spectrum disorder: an eye-tracking study. *Percept Mot Skills*. 2021;128(4):1485–503. <https://doi.org/10.1177/00315125211016814>
17. Caron MJ, Mottron L, Berthiaume C, Dawson M. Cognitive mechanisms, specificity and neural underpinnings of visuospatial peaks in autism. *Brain*. 2006;129(7):1789–802. <http://dx.doi.org/10.1093/brain/awl072>
18. Hermelin B, O'connor N. Psychological experiments with autistic children. Oxford: Pergamon; 1970.
19. Maxwell JP, Masters RSW, Poulton JM. Performance breakdown in sport: the roles of reinvestment and verbal knowledge. *Res Q Exerc Sport*. 2006;77(2):271–6. <https://doi.org/10.1080/02701367.2006.10599360>